

اختلاف آراء عرفان و تصوف و نقش آن در تفسیر آیات قرآن

فاطمه احمدی بیغش^۱

چکیده

عرفان به معنای راه روشی که برای شناسایی حق توسط عارف انتخاب می شود . تصوف به معنای پاکیزه کردن دل از ما سوی الله ، که در اثر زهد و ترک دنیا باشد . عرفان و تصوف با وجود شباهت های ظاهری در برخی از آداب ، در طول تاریخ اساساً متمایز از هم بوده اند . عرفان ریشه در قرآن و سنت داشته ؛ اما تصوف ریشه ای التقاطی دارد . این ریشه داری ناشی از تأثیری که دین فطری بر انسان دارد و آدمی را به سوی زهد ، و از آن جا به معرفت نفس رهنمون می سازد . در طول تاریخ مشرب صوفیه به بیراهه رفت و سر از انحرافی ها و تفسیرهای به رأی از کلام خدا و معصومین (ع) درآورد . آنچه که امروزه به عنوان صوفی معرفی می شود ، یقیناً از حق و حقیقت به دور است .

تفسیر قرآن بر اساس شهود ناشی از حالتی درونی ، که بر اثر اذکار ، افعال یا تفکر در انسان به وجود می آید، اگر صحیح و یقین آور باشد ، فقط برای شخصی که رخ داده حجت است و قابل انتقال به غیر نیست و برای دیگران حجت نخواهد بود . در نتیجه این مکاشفات به تاویل های ناصحیح و تفسیر به رای منجر شده و نمی تواند منبع تفسیر قرآن واقع شود . این پژوهش با روش توصیف و تحلیل متن و به شیوه کتابخانه ای ، درصدد واکاوی اختلاف آراء عرفان و تصوف و نقش آن در تفسیر قرآن ، است .

واژگان کلیدی: قرآن ، عرفان ، تصوف ، تفسیر ، تفسیر به رای .

^۱ . طلبه سطح سه تفسیر و علوم قرآن . موسسه آموزش عالی حوزوی حضرت عبدالعظیم (علیه السلام)

با مطالعه ای در قرآن کریم، به سادگی می توان دریافت که خداوند، همان گونه که بندگان خویش را به گریز از دنیاپرستی و توجه به معنویات و جهان آخرت فرا خوانده است، (به عنوان نمونه: انعام/۳۲ - یونس/۲۴) اما این نکته را نیز خاطر نشان نموده است که نباید توجه به آخرت را بهانه ای برای گوشه گیری و انزوا و تعطیل نمودن تمام فعالیت های مرتبط با دنیای مادی نمود، بلکه باید از برکات و نعمت های دنیوی نیز استفاده کرده و با توجه به موازین شرعی، به فعالیت های روزمره و معمول ادامه داده و در همان حال، خدا را از یاد نبرد. (به عنوان نمونه: اعراف/۳۲ - مائده/۸۸) بر این اساس، مسلمان واقعی آن است که دنیاپرست نباشد، اما از نعمت های پروردگار در دنیا استفاده نموده و آن ها را ره توشه ای برای آخرت خود قرار دهد و خیر هر دو جهان را از خداوند خواستار شود. (بقره/۲۰۱) در این میان، اشخاصی وجود داشته و دارند که راه افراط و تفریط را پیموده و تنها جنبه ای از دین را مورد توجه قرار داده و از دیگر تعالیم آن غافل می مانند. این شیوه افراط و تفریط این عده در زمینه های مختلفی از جمله تفسیر آیات قرآن کریم، بروز و نمود داشته است و تا جایی پیش رفته اند که منجر به تاویل و تفسیر های نادرست و تفسیریه رای در آیات الهی منجر می شود.

عرفان حقیقی و اسلامی ریشه در فطرت و دین فطری دارد و با بهره گیری از آموزه های اسلام اندیشه های خود را غنای خاصی بخشید. موضوع عرفان، ذات و اسماء خداست و هدفش رسیدن به توحید و کیفیت وصول بنده به خدا است. اما صوفیه در طول تاریخ با برداشت افراطی از آیات مذمت دنیا و نیز آیاتی که در تشویق بر زهد و تقوا است، بخش عمده ای از فقه را که دانش اجتماعی زیستن اسلام می باشد، بی اعتبار ساختند. بریدن از خلق خدا، گریز از مسئولیت های اجتماعی، فرو رفتن در خود با غفلت از اطراف، کمترین آموزه هایی است که این طیف بر آن پای می فشرد. در بسیاری از اوقات، از روی تسامح و یا غرض ورزی و یا مصالح دیگر، دو واژه و مسلک «تصوف» و «عرفان»، مترادف یکدیگر به کار رفته اند؛ ولی حقیقت آن است که تفاوت هایی بنیادین با یکدیگر دارند. از این رو «عرفان» به جنبه فرهنگی و علمی اهل کشف و شهود اطلاق می گردد و تصوف به جنبه اجتماعی آنان. اینک این سوال باقی است چه تفاوت هایی بین آراء و عقاید عرفان حقیقی و تصوف وجود دارد که منجر به تاویلات ناصحیح حتی از آیات قرآن کریم شده که سبب تفسیر به رای می شود؟!

این پژوهش بعد از مفهوم شناسی و تبیین مسئله پژوهش، به بررسی اختلاف آراء عرفان و تصوف و نقش آن در تفسیر قرآن، پرداخته و آن را مورد مذاقه قرار داده است.

تصوف و صوفی در لغت و اصطلاح

تصوف در لغت عبارتند از: «پشمینه پوشیدن و مأخوذ از صوف» و همچنین «به مذهب صوفیه در آمدن، خوی صوفیه گرفتن» است. و در اصطلاح تصوف یعنی از خواهش نفسانی پاک شدن و اشیاء عالم را مظهر حق دانستن. به عبارت دیگر نام طایفه ای از اهل حقیقت که از خواهش های نفسانی پاک شده و اشیای عالم را مظهر حق می دانند. و کلمه تصوف را بر افعال و اعمال آنان اطلاق نموده اند. «(دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۵۹ - سعیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴) صوفی نیز در لغت به معنای: پیرو طریقه تصوف، پشمینه پوش، (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۳۳۰۵) و در اصطلاح «صوفی کسی است که دل خود را با خدا صاف کرده باشد و معاملت او با خدا صاف باشد.» (سجادی، ۱۳۷۰، ص ۳۱۰) و «کسی است که در خود فانی و باقی به خدای تعالی است، از طبایع رها و به حقیقت حقایق متصل است.» (تهانوی، بی تا، ج ۱، ص ۸۴۰ - ۸۳۹) صوفیه باطن گروی را بر ظاهرگروی، رشد معنوی را بر شریعت پرستی و تزکیه نفس را بر تعاملات اجتماعی ترجیح می دهند. در بحث خداشناسی، صوفیه بیش از آنچه که از غضب، قهر و جلال خداوند صحبت کنند، از رحمت، لطف و جمال او سخن میگویند. (نصر، ۱۳۵۶، ص ۵۳ - ۵۲)

در واقع صوفی در عمل همان عارف بوده و هدفشان یکی می باشد، البته این امر برای همه صوفیان نیز صدق نمی کند، زیرا در هر زمانی ریا کاریانی بوده اند که اساس کارشان تزویر خلق بوده. اما بعد ها مشرب صوفیه به بیراهه رفت و سر از آداب خلاف سنت و تفسیرهای به رأی از کلام خدا و معصومین (ع) درآورد. آنچه که امروزه در عنوان صوفی معرفی می شود ایرادات اساسی داشته و به یقین از راه حق و حقیقت به دور است.

عرفان و عارف در لغت و اصطلاح

عرفان در لغت به معنای شناخت، خداشناسی و شناخت حضرت حق تعالی (سعیدی، ۱۳۸۳، ص ۵۲۸) عارف در لغت به دانا، شناسنده و واقف به دقایق و رموز معنا شده است. (همان) در اصطلاح کسی است که حضرت حق او را به مرتبه شهود ذات، اسماء و صفات خود رسانیده است. این مقام نه از طریق علم و معرفت،

تصوف ریشه ای التقاطی داشته که هم از آموزه های نوافلاطونیان و هم نحله های معنوی مسیحی و حتی شبه عرفان های هندی و شرقی وام گرفته است. تصوف جزو ابداعات مسلمین نیست و در میان اقوام پیشین، مثل نصارا و وثنیه و برهمایی ها و بودایی ها نیز وجود داشته و دارد. و این ریشه داری در تاریخ نیز ناشی از تأثیری است که دین فطری بر انسان دارد و آدمی را به سوی زهد و از آن جا به معرفت نفس رهنمون می شود، (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۹۳) در میان مسلمین نیز عرفان و تصوف، در عهد خلفا، به لباس زهد حضور دارد. (همان، ج ۵، ص ۲۸۱) و لذا می توان گفت که تصوف اسلامی ریشه در خود اسلام دارد. (زرین کوب، ۱۳۷۳، ص ۱۳)

در قرن اول هجری، نوعی زهد افراطی و اعراض از دنیا در میان برخی از افراد ظهور کرد. علت این امر، از یک سو زندگانی اختصاصی پیامبر و برخی از صحابه اوست، همانند اصحاب صفه، و دیگری دنیاطلبی و لذت جویی فراوان امویان و عباسیان و بالاخره برداشت خاص این افراد از آموزه هایی هم چون مبارزه با نفس، اخلاص و توجه به آخرت و ... که در قرآن و سنت آمده است. در زمان پیامبر اکرم (ص) عناوین زاهد و عابد به عده ای اطلاق گشت که از دنیا کناره جسته و خود را وقف عبادت و ریاضت نموده بودند. در حدود اوائل قرن دوم هجری کم کم کلمه « صوفی » و طریقه تصوف شنیده شد که خود را سالکان طریق حق و عارفان الهی می دانستند؛ اما عرفان آن ها با مبانی طریقه ائمه هدی سازگاری و مطابقت نداشت.

اولین چهره معروف متصوفه، ابوهاشم صوفی کوفی بود که، مرام و عقیده اش مورد نکوهش شدید امام صادق (ع) قرار گرفت؛ چنان که از امام حسن عسکری (ع) نقل است که از امام صادق (ع) پرسیدند ابو هاشم کوفی چگونه آدمی است؟ فرمود: « اِنَّهٗ فاسد العقیده جداً » و در ادامه فرمود: « و او همان کسی است که مذهبی را بدعت گذارد که آن را تصوف می نامند و وی این مذهب را پناهگاهی برای عقیده زشت و ناپسند خود قرار داد » (سفینه البحار، بی تا، ج ۲، ص ۵۷)

رویارویی ائمه بعد از امام صادق (ع) با آن ها به ویژه امام رضا (ع) که می فرمود: « کسی دم از صوفیه نمی زند مگر از روی خدعه یا گمراهی و یا از روی حماقت. » (همان) و نیز امام هادی (ع) که همه فرقه های صوفیه را بی استثناء از مخالفین اهل بیت (ع) می دانست و می فرمود « الصوفیه کلهم من مخالفینا » (همان) قابل توجه و تأمل است. ولی از قرن سوم به بعد دامنه تصوف وسعت یافت و مایه های ذوقی و شعری در آن

نتیجه گیری

بهترین بستر برای رشد، تهذیب، سلوک و مجاهده نفسانی تعالیم اسلام است و برای هر عارف سالک الی الله دستگیره محکم و چراغ پرفروغ است که از التقاط متصوفیه به دور است. عدم تقید به شریعت و آداب دینی و بی توجهی و یا کم مهری نسبت به احکام و تکالیف الهی، تقید به آداب و رسوم خرافی و اختراعات غیر دینی، عزلت گزینی و جامعه گریزی و دوری از وظایف اجتماعی، انقلابی و سیاسی به بهانه مذمت دنیا، ذکرها و وردهای فاقد اعتبار، از جمله برداشت های التقاطی، غلط و صوفیانه از سنت های اسلامی می باشند. اما غالباً در طول تاریخ تصوف، عرفان و آموزه های آن را همچون ابزاری برای مطامع دنیوی قلمداد می کنند و با این کار خود، معنا و وجهه ای ناخوشایند به آن می بخشند. وجود گروه ها و فرقه های بی شمار و انشعابات متعدد متصوفه با آموزه های متعارض، بهترین شاهد و گواه این مدعاست. وظیفه ما در مقابل این عقاید، آگاهی سازی و تقویت بنیه فکری است. البته باید توجه داشت مشاجره و درگیری لفظی و یا فیزیکی با این گروه های التقاطی مناسب نیست، چرا که عرفان حقیقی و اسلامی دارای پشتوانه ای محکم، واز منطقی قوی برخوردار است.

تفسیر اشاری آیات قرآن کریم، بر اساس شهود می باشد و شهود، حالتی روحی و احساسی درونی است که بر اثر اذکار یا افعال یا تفکر در امر خاصی در انسان به وجود می آید. شهود، مصداق های الهی و شیطانی دارد و در مصداق های صحیح و الهی آن، واقعیت ها بر انسان کشف می شود، اما مرز آن با مصداق های شیطانی مکاشفه، قابل تعیین دقیق و کنترل نیست. این مکاشفات اگر صحیح و یقین آور باشد، فقط برای شخصی که رخ می دهد حجت است و قابل انتقال به غیر نیست؛ از این رو، بر دیگران حجت نیست. به همین دلیل، این مکاشفات نمی تواند منبع و وسیله تفسیر قرآن واقع شود.

Disagreement between Mysticism and Sufism & their effect on Quranic commentary

Abstract

Mysticism means ways or paths that one mystic choose to identify the truth. Sufism is meant to purify the heart from God through asceticism and virtuousness. Mysticism and Sufism despite their superficial similarities in some ethos, but historically have been fundamentally distinct from each other. Mysticism rooted in Quran and traditions of Prophet, but Sufism has eclectic roots. The roots of the Mystic is innate that take human beings toward asceticism, and leads to self-knowledge. But, Sufism went astray during the history and represented self-interpretations of the Words of God and the infallible Imams. What is presented today as a Sufism is certainty away from truth. Quranic interpretations are according to inner manner which has achieved through Dhikrs, spiritual activities and thinking in human beings; if they were true and believable then they will become a belief for one person and would not be transferable to others. As a result of these revelations, incorrect and self-centered interpretations cannot be regarded as a source of Qur'an's interpretation.

Key words: Mysticism, Sufism, interpretations, Quran, self-interpretation.

فهرست منابع :

منابع فارسی

* قرآن کریم

۱. برنجکار ، رضا ، *آشنایی با علوم اسلامی* ، تهران : سازمان مطالعه و تدوین کتب علم اسلامی دانشگاهی ، ۱۳۷۸ ش
۲. دهخدا ، علی اکبر ، *لغت نامه دهخدا* ، قم ، ارزشمند ، ۱۳۷۷ ش
۳. زرین کوب ، عبدالحسین ، *ارزش میراث صوفیه* ، تهران : امیرکبیر ، ۱۳۷۸ ش
۴. سجادی ، جعفر ، *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی* ، تهران : طهوری ، ۱۳۷۰ ش
۵. سعیدی ، گل بابا ، *فرهنگ اصطلاحات عرفانی ابن عربی* ، تهران : شفیعی ، ۱۳۸۳ ش
۶. شیرازی معصوم علیشاه ، محمد ، *طرائق الحقایق* ، تهران : بارانی ، ۱۳۴۵ ش
۷. طباطبایی ، سید محمدحسین ، *المیزان فی تفسیر القرآن* ، قم : اسماعیلیان ، ۱۳۷۱ ش
۸. عطار نیشابوری ، عزالدین ، *تذکره الاولیاء* ، تهران : ۱۳۳۶ ش
۹. مطهری ، مرتضی ، *آشنایی با علوم اسلامی (کلام و عرفان)* ، قم : صدرا ، بی تا
۱۰. ----- ، *عرفان حافظ* ، قم : صدرا ، ۱۳۸۸ ش
۱۱. مکارم شیرازی ، ناصر ، *جلوه حق* ، قم : مدرسه الامام علی بن ابی طالب ، ۱۳۷۶ ش
۱۲. نصر ، حسین ، *کتاب شناسی توصیفی منابع تاریخ علوم اسلامی* ، با همکاری ویلیام چیتیک و پیتر و زرنیس ، تهران : انجمن فلسفه ایران ، ۱۳۵۶ ش
۱۳. الهامی ، داود ، *عرفان و تصوف* ، قم : مکتب اسلام ، ۱۳۷۴ ش
۱۴. یثربی ، سید یحیی ، *فلسفه عرفان* ، قم : دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۷ ش
۱۵. ----- ، *عرفان نظری* ، قم : دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۲ ش

منابع عربی

۱. ابن عربی ، محی الدین ، *الفتوحات المکیه فی معرفه اسرار المالکیه و الملکیه* ، تهران : مولی، ۱۳۸۵ش
۲. اردبیلی ، احمد بن محمد ، *حدیقه الشیعہ* ، تصحیح : صادق حسن زاده و علی اکبر زمان نژاد ، قم : انصاریان ، ۱۳۷۷ش
۳. تفتازانی ، سعد الدین مسعود ، *التلویح الی کشف حقایق التنقیح* ، قم : مرکز احیا التراث الاسلامی ، بی تا
۴. تهانوی ، محمد بن علی ، *فهرس کشاف اصطلاحات الفنون* ، استانبول : دارقهرمان ، بی تا
۵. الحسینی البحرانی ، هاشم بن سلیمان ، *معالم الزلفی* ، بی جا ، بی تا
۶. سهروردی ، شهاب الدین ، *عوارف المعارف* ، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی ، ۱۳۷۴ش
۷. سیوطی ، جلال الدین ، *الاتقان فی علوم قرآن* ، قم : منشورات رضی ، بی تا
۸. صفار القمی ، محمد بن حسن ، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)* ، تهران : بی جا
۹. طبری ، محمد بن جریر ، *جامع البیان عن التاویل آی القرآن* ، بیروت : دارالکتب العلمیه ، ۱۴۱۲ق
۱۰. العاملی ، حسن بن محمد طاهر ، *مقدمه تفسیر البرهان* ، قم : موسسه دارالمجتبی للمطبوعات ، ۱۴۲۸ق
۱۱. عروسی حویزی ، عبد علی ، *تفسیر نورالثقلین* ، قم : نوید اسلام ، ۱۳۹۱ش
۱۲. العک ، خالد عبدالرحمن ، *اصول التفسیر و قواعد* ، بیروت : دارالفائس ، ۱۴۱۴ق
۱۳. قمی ، عباس ، *سفینه البحار* ، تهران : فراهانی ، بی تا
۱۴. کاشانی ، محمد بن علی ، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه* ، قم : رسالت ، ۱۳۷۳ش
۱۵. کلینی ، محمد بن یعقوب ، *اصول کافی* ، تهران : دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۵ش
۱۶. مجلسی ، محمد باقر ، *بحار الانوار* ، قم : المکتبه الحیدریه ، ۱۴۲۵ق
۱۷. محمدی ری شهری ، محمد ، *میزان الحکمه* ، قم : دارالحديث ، ۱۳۷۷ش

۱۸. معرفت ، محمد هادی ، *التفسير و المفسرون في الثوبه القشيب* ، بی جا ، الجامعه الرضويه العلوم الاسلاميه ، ۱۴۱۸ق

۱۹. الموسوی الخمينی ، روح الله ، *آداب الصلاه* ، قم : موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی (ره) ، ۱۴۱۹ق

۲۰. الواسطی ، علی بن محمد ، *عیون الحکم و المواعظ* ، قم : دارالحديث ، ۱۳۷۶ش

مقالات

۱. معرفت (*فصلنامه پژوهشی فلسفه و کلام*) شماره چهار ، جایگاه شریعت و قلمرو عرفان ، تهران : دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۴ش